

دور خیز دولت برای بازگشت به عدالت یارانه ای

پولدارها نقره داغ می شوند!

پرونده کسب و کارها در سال ۱۴۰۳ بارکود بسته شد

چهار عامل افت تولید

به اسفند سال های گذشته نیز کاهش یافته اند. بررسی های مرکز پژوهش های اتاق ایران در شاخص مدیران خرید (PMI) موسوم به شاخص، نشان می دهد کاهش در میزان تولید، سفرهای جدید و موجودی مواد اولیه بیانگر کاهش در...

است. این در حالی است که براساس الگوی فصلی سال های گذشته، انتظار بهبود در وضعیت فعالیت های کسب و کارها در اسفندماه وجود داشت؛ زیرا اسفندماه معمولاً با افزایش تقاضای مصرف کننده گان همراه است، اما برخلاف انتظار، نمتنها به بهبود معناداری مشاهده نشد، بلکه شاخص هانسیب

تعداد | شاخص مدیران خرید (شاخص)، کل اقتصاد، در اسفند ۱۴۰۳، پس از تعدیل اثرات فصلی برای چهارمین ماه متوالی روند، رکودی داشته و کمتر از محدوده مرزی ۵۰ قرار گرفته است. در همین حال، شاخص بخش صنعت نیز باوجود افزایش جزئی، در محدوده مرزی ۵۰ متوقف شده



مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی:

آژانس باید هر گونه توافق را راستی آزمایی کند

یادداشت -۲-

مذاکرات اقتصاد ایران

سیاست خارجی ایالات متحده، ترکیبی از دیپلماسی و بهره گیری از ابزارهای اقتصادی مانند تحریم ها و اعمال تعرفه های سنگین است. این کشور با بهره گیری از قدرت اقتصادی خود، گاه تلاش می کند با ایجاد فشار

بر اقتصاد دیگر کشورها، آنها را به پذیرش خواسته هایش وادار کند. این رویکرد، اگر چه از منظر برخی تداخل منافع سیاسی و اقتصادی تلقی می شود، اما در واقع نشان دهنده جایگاه امریکادر نظام بین الملل است. مذاکرات مسقط، از این منظر، تلاشی است برای بازتعریف رابطه ای متوازن و کنترل شده میان تهران و واشنگتن؛ رابطه ای که اگر چه ممکن است به احیای کامل توافق برجام منتهی نشود، اما دستیابی به توافقی پایدار و عزتمند خواهد بود. در این میان، هر مذاکره ای، علاوه بر تلاش های دیپلماتیک، به اجماع و هم افزایی داخلی وابسته است. وحدت ملی و حمایت همه جانبه از سیاست های کلان کشور، پشتوانه ای برای دستیابی به توافقی پایدار و واقعیت های سیاسی و بخش خصوصی نیز می تواند با بهره گیری از گشایش های احتمالی، نقش موثری در تقویت روابط تجاری بین المللی و توسعه اقتصادی کشور ایفا کند. سناریوهای مختلفی برای نتیجه این مذاکرات می توان متصور شد. در سناریوی خوش بینانه، دو طرف با درک واقعیت های سیاسی و اقتصادی، به توافقی محدود اما اجرایی دست می یابند که بخشی از تحریم های نفتی و بانکی را کاهش داده، نرخ ارز را تثبیت کرده و زمینه را برای جذب سرمایه گذاری خارجی فراهم می کند. این امر نمتنها معیشت مردم را بهبود می بخشد، بلکه اعتماد به بازارهای مالی را نیز تقویت می کند. در سناریوی میانه، مذاکرات با پیشرفتی آهسته ادامه می یابد، بدون دستوراد فوری. توافقات اولیه ممکن است برخی فشارهای اقتصادی را کاهش دهد، اما برای تامین منابع جامع، نیازمند گفت وگوهای بیشتر و ایجاد چارچوبی پایدار است. این روند می تواند فضایی مثبت در بازارها ایجاد کند، اما به حمایت داخلی و اجماع گسترده نیاز دارد. در سناریوی بدبینانه، ناتوانی در دستیابی به تشدید کند. تاویم تحریم ها فرصت های توسعه را محدود کرده و بر رفاه عمومی تاثیر منفی می گذارد. با این حال، حتی در این حالت، حفظ عزت ملی و تکیه بر توان داخلی می تواند راهگشا باشد. در این میان، آنچه اهمیت دارد، نگاه واقع بینانه به سازوکار گفت وگوست. مذاکره، ابزار است، نه هدف. موفقیت آن در گرو درک متقابل و طراحی مکانیسم های پایدار برای تضمین منافع طرفین است. ایجاد چارچوبی قانونی با نظارت نهادهای تخصصی و همکاری با کارشناسان بین المللی می تواند تضمین کننده اجرای پایدار توافقات باشد.

تعیین یک واحد مستقل برای مدیریت AML، (دوم) استفاده از فناوری های نوین برای مانیتورینگ تراکنش ها. (سوم) انجام ارزیابی های مستمر ریسک (چهارم) همکاری با نهادهای نظارتی و اجرای الزامات قانونی. پنجم) بروز رسانی سیاست ها و دستورالعمل ها بر اساس تغییرات قانونی و تهدیدات جدید. نهادینا، کنترل داخلی در مبارزه با پولشویی یک ضرورت برای شرکت ها است که به آنها کمک می کند تا از جرایم مالی جلوگیری کرده و از شهرت و ثبات مالی خود محافظت کنند. عدم رعایت استانداردهای AML می تواند تبعاتی مانند جریمه های قانونی، از دست دادن مشتری، کاهش اعتماد عمومی و حتی ورشکستگی را در پی داشته باشد. پیاده سازی یک سیستم کارآمد AML نمتنها از الزامات قانونی است، بلکه موجب افزایش اعتماد عمومی به شرکت ها نیز می شود. بنابراین شرکت ها باید با اتخاذ رویکردی جامع و به کارگیری فناوری های نوین، به بهبود کنترل های داخلی خود در زمینه مبارزه با پولشویی بپردازند.

یادداشت -۲-

کنترل داخلی در مبارزه با پولشویی برای شرکت ها

از دست دادن بازار و حتی ورشکستگی در موارد شدید منجر خواهد شد. مشکلات تامین مالی و سرمایه گذاری: شرکت هایی که به دلیل ضعف در کنترل های AML با ریسک بالاشناخته شوند، ممکن است در جذب سرمایه و تامین مالی با مشکل مواجه شوند. بانک ها و سرمایه گذاران تمایلی به همکاری با کسب و کارهایی که درگیر مسائل پولشویی هستند، ندارند.

اجرای اصولی کنترل داخلی در AML برای جلوگیری از این تهدیدات، شرکت ها باید یک سیستم کنترل داخلی موثر داشته باشند که شامل موارد زیر است: سیاست ها و رویه های AML: شرکت ها باید دستورالعمل های شفاف و مدونی برای پیشگیری و کشف پولشویی داشته باشند. این سیاست ها باید با قوانین ملی و بین المللی هماهنگ باشند. شناسایی مشتریان (KYC): فرآیند شناخت مشتری (KYC) شامل احراز هویت مشتری، تعیین سطح ریسک آنها و بررسی معاملات مالی آنان است. این مرحله از ورود افراد دارای سوابق مشکوک به سیستم مالی جلوگیری می کند. نظارت بر تراکنش ها و گزارش دهی موارد مشکوک: شرکت ها باید با استفاده از نرم افزارهای تحلیل تراکنش، فعالیت های غیرعادی را شناسایی و در صورت لزوم به نهادهای نظارتی گزارش کنند.

آموزش و توانمندسازی کارکنان: کارکنان باید به طور منظم آموزش ببینند تا بتوانند نشانه های پولشویی را شناسایی کرده و به درستی گزارش دهند. ارزیابی و حسابرسی داخلی: حسابرسی های دوره ای برای بررسی میزان اثربخشی کنترل های داخلی ضروری هستند. این فرآیند نقاط ضعف سیستم را شناسایی و امکان اصلاح آنها را فراهم می کند. همکاری با پادسازای کنترل داخلی AML در شرکت ها برای اجرای موفق کنترل داخلی، شرکت ها می توانند اقدامات زیر را انجام دهند:

تعیین یک واحد مستقل برای مدیریت AML، (دوم) استفاده از فناوری های نوین برای مانیتورینگ تراکنش ها. (سوم) انجام ارزیابی های مستمر ریسک (چهارم) همکاری با نهادهای نظارتی و اجرای الزامات قانونی. پنجم) بروز رسانی سیاست ها و دستورالعمل ها بر اساس تغییرات قانونی و تهدیدات جدید. نهادینا، کنترل داخلی در مبارزه با پولشویی یک ضرورت برای شرکت ها است که به آنها کمک می کند تا از جرایم مالی جلوگیری کرده و از شهرت و ثبات مالی خود محافظت کنند. عدم رعایت استانداردهای AML می تواند تبعاتی مانند جریمه های قانونی، از دست دادن مشتری، کاهش اعتماد عمومی و حتی ورشکستگی را در پی داشته باشد. پیاده سازی یک سیستم کارآمد AML نمتنها از الزامات قانونی است، بلکه موجب افزایش اعتماد عمومی به شرکت ها نیز می شود. بنابراین شرکت ها باید با اتخاذ رویکردی جامع و به کارگیری فناوری های نوین، به بهبود کنترل های داخلی خود در زمینه مبارزه با پولشویی بپردازند.



یادداشت -۱-

نگاه واقع گرایانه به مذاکرات

طبیعی است هر ایرانی وطن پرستی نسبت به بهبود مناسبات ارتباطی ایران با جهان و احتمال کاهش تحریم های اقتصادی باید خوشحال شود و امیدوارانه دورنمای مذاکرات را دنبال کند. بدون تردید حل معادلات حوزه سیاست خارجی به ایران کمک می کند تا شاخص های اقتصادی مانند تورم، قدرت خرید مردم، رشد اقتصادی، جذب سرمایه گذاری خارجی، کاهش فقر، اشتغالزایی و... را در مسیر بهبود قرار دهد، بنابراین همه باید از دیپلمات های ایرانی حمایت کنیم، اما در عین حال باید توجه داشت هر گونه رویکرد بیش از حد خوشبینانه یا بدبینانه باعث دور شدن کشور از منافع ملی می شود. امروز ایران بیش از هر زمان دیگری به ارزیابی ها و تحلیل های واقع بینانه نیاز دارد. تحلیل هایی که به جای امیدواری های بعضاً بدون پشتوانه تصویری واقعی از پشت پرده رخدادها و دلایل بروز آنها ارائه کند، هر اندازه پالس های مثبت در مذاکرات از سوی مقامات امریکایی ارسال شود، باز هم نمی توان انکار کرد که برای امریکا موجودیت، امنیت و آینده اسراییل در راس هر نوع سیاست گذاری، مذاکره و گفت وگو قرار دارد. حال باید ببینیم امریکادر جریان مذاکره با ایران از طریق چه روش هایی قصد دارد این سه گزاره ضروری را برای اسراییل محقق کند.

موجودیت اسراییل: غرب برای استقرار اسراییل در منطقه خاورمیانه چندین و تعبات بسیاری را متحمل شده است. تبعاتی چون آواره ساختن میلیون های فلسطینی مظلوم و به خاک و خون کشیدن زنان، کودکان و در کل انسان های بیگناه از جمله این هزینه ها است. به زعم اسراییل و البته سایر مقامات غربی آنچه می تواند موجودیت اسراییل را با خطر اضمحلال کامل مواجه سازد، ایران هسته ای است. به اعتقاد مقامات اسراییلی ایران با تکیه به جویبیتی که در منطقه دارد و حمایتی که از سوی جنبش های مقاومت در منطقه از آن برخوردار است، در صورت داشتن ظرفیت تسلیحاتی هسته ای می تواند موجودیت اسراییل را به طور کامل تهدید کند. ایران آنادر نقطه مقابل اعلام کرده در کترین تسلیحات هسته ای جایی ندارد. در واقع نقطه قوت ایران در سطح منطقه و جهان، گفتمانی است که حمل می کند و به وسیله آن توجه مردم آزاد را جلب می کند. امنیت اسراییل: موضوع مهم دیگری که امریکا در جریان مذاکرات با ایران قطعاً از دنبال می کند، امنیت پایدار اسراییل است. از منظر طرف مقابل، جریان مقاومت به رهبری ایران، مهم ترین مانع در مسیر امنیت اسراییل است. اینکه امریکایی ها امروز مساله نیروهای مقاومت منطقه ای را به عنوان یک اولویت روی میز مذاکرات قرار نمی دهد، ناشی از این برداشت اشتباه است که تصور می کنند، بعد از حوادث ۷۱ تیر، جریان مقاومت تضعیف شده است. به زعم استراتژیست های غربی، حساب به اندازهای ضعیف شده که در معادلات آتی سرزمین اشغالی، جایگاهی نخواهد داشت. از سوی دیگر حزب الله هم ضریب بسیاری خورده و فعالان به باز یابی خود در کوتاه مدت و میان مدت نخواهد بود. سوریه به اسد سقوط کرده و جای خود را به نیروهای هماهنگ با ترکیه و غرب داده است. حشدالشعبی هم قرار است در نیروهای نظامی عراق ترکیب شود. تهاجم های اثر گذار مقاومت، یمن است که همچنان مقاومت کرده و منافع اسراییل و غرب را تهدید می کند. در کنار جریان مقاومت، گزاره های کامنیتی اسراییل را تهدید می کند، ظرفیت امنیتی ایران است. ایران این توانایی را دارد که دشمنانش را در هر نقطه ای در منطقه که باشند هدف قرار دهد. باید مراقب باشیم این پرونده به هیچ عنوان در جریان مذاکرات باز نشود، چرا که ایران با تکیه بر این توانایی است که توانسته نوع خاصی از بازدارندگی به نفع خود ایجاد کند.

آینده اسراییل: آینده اسراییل در منطقه در گرو به رسمیت شناخته شدن این رژیم است. امریکازد دل مذاکره با ایران و ایجاد ثبات منطقه ای تلاش می کند، پروژه ابراهیم را دوباره راه اندازی کرده و زمینه توسعه روابط کشورها با اسراییل را فراهم سازد. غرب به خوبی می داند که ایران هرگز این رژیم را به رسمیت نخواهد شناخت اما این تصور اراد که از طریق توافق با ایران، می تواند سایر کشور های منطقه را مجاب به ایجاد روابط با اسراییل کند. مبتنی بر این گزاره های تحلیلی است که معتقدم باید واقع گرایانه به سمت هر نوع مذاکره و توافقی رفت. ایران در عین دستیابی به توافق باید مراقب باشد تا پایگاه های ریشمدار خود در منطقه و ظرفیت های فراینده داخلی اش را رانیز حفاظت کرده و آنها را رتقادهد. در این صورت است که می توان توافقی در راستای منافع ملی ارزیابی کرد. معتقدم امریکای مدل ترامپ در ادامه مذاکرات تلاش می کند، سایر پرونده های منطقه ای و امنیتی (به گونه های مختلف) وارد دایره مذاکرات کند. البته ایران هم نشان داده هرگز از خطوط قرمز خود عدول نمی کند.

وزیر ارتباطات: دولت چهاردهم حتما محدودیت دسترسی به سکوهای خارجی را برمی دارد

وعده های رفع فیلتر واقعیت یا رویای تکراری؟

«تعالد» روند معاملات بازارهای جهانی را بررسی می کند

بازارهای سهام جهانی روی لبه تیغ

سهام اروپا پس از شروعی قدرتمند در ابتدای هفته دچار افت شدند. این کاهش عمدتاً تحت تاثیر هشدار شرکت بزرگ تراشه سازی ASML رخ داد که اعلام کرد اعمال تعرفه های جدید از سوی ایالات متحده، ابهام هایی جدی درباره چشم انداز در...

با توقف تعرفه های امریکا بالاخره شرایط بورس های جهانی تغییر کرد و این بازارها توانستند چند روزی مجدد روند سبزر را تجربه کنند؛ اما همچنان سایه این تعرفه های بورس های جهان وجود دارد و احتمالاً تا مدتی بورس های جهانی روند نوسانی را تجربه کنند. چهارشنبه، بازارهای

افزایش تورم انتظاری با افزایش سقف تسهیلات

مستاجران توان پرداخت اقساط وام ودیعه را دارند؟

حدود ۷ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان می شود، همچنین سود این وام حدود ۱۹۰ میلیون و کل بازپرداخت از سوی مستاجران حدود ۴۶۵ میلیون تومان خواهد بود. در این میان اگر چه هدف از اجرای این طرح کاهش فشار اقتصادی بر مستأجران و کمک به ساماندهی بازار اجاره مسکن اعلام شده است، اما بسیاری از کارشناسان اقتصادی معتقدند که افزایش صندوق وام ودیعه مسکن، راهگشای مشکل مستاجران نیست و باید به دنبال راهکاری اساسی در این خصوص باشیم. در همین خصوص هادی سرخوش، کارشناس بازار مسکن می گوید: با توجه به تورم حاکم در اقتصاد کشور، مشکل تامین سرپناه مناسب برای تهرانی ها بسیار سخت شده است...

در آستانه فصل نقل و انتقالات در بازار رهن و اجاره، وزارت راه و شهرسازی از بسته حمایتی مستاجران رونمایی کرد، بررسی جزئیات این بسته حمایتی حکایت از افزایش سقف تسهیلات ودیعه مسکن به شرط نداشتن سابقه مالکیت و همچنین معرفی توسط نهادهای ذیربط دارد. براساس تصویب هیات عالی بانک مرکزی سقف وام ودیعه مسکن برای مستاجران تهرانی به ۲۷۵ میلیون تومان، در مراکز استان ها بین ۱۵۰ تا ۲۱۰ میلیون تومان، در سایر شهرها به ۱۴۰ میلیون تومان و در روستاها به ۵۵ میلیون تومان افزایش یافت. حال اگر همچون سال های قبل، دوره بازپرداخت وام ودیعه ۵ ساله و بازخ سود ۲۳ درصد باشد، اقساط ماهانه وام ودیعه ۲۷۵ میلیون تومانی

یادداشت -۴-

کارمزد اضافه برای بورسی ها

هزینه ها. اگر فکر می کنید بدش مثلاً کسی در صندوق طلا معامله نخواهد کرد، آن هم جواب دارد، می توانید یک درصد هزینه ای که سالانه از ارزش این صندوق ها بابت کارمزد مدیر و بازار گردان و... کسر می شود، کم کنید. حالا این بحث ها جایی است که شما بورس انحصاری دارید و مجوزها سخت داده می شود و... اگر مشکلی دارید با این بحث ها، اجازه دهید که راحت تر بورس، سپرده گذاری، کارگزاری، صندوق و... تالسیس شود و در یک فضای «قلبی» ببینیم این کارمزد چقدر درصد می شود! وضعیت ناگوار کارگزاری ها باید در ابتدا درست شود، اکنون دوسوم کارگزاری ها وضعیت مناسبی ندارند و نقلی به معامله صندوق ها بهره ای برای کارگزارها ایجاد نمی کنند. از آنجا که حوصله مدیران بورس هم به خواندن مطالب طولانی نیست فقط خواهان این پاسخ هستیم که در کجای دنیا چنین چیزی را می بینید که در قیمت صفر تا بلو تا سقف قیمتی سی و سه درصد سود یک روز و معاملات حتی با صندوق ها در کجای دنیا شما اختلاف فاحش این چنین مابین کارمزد معامله سهام با صندوق های سهامی می بینید که از جیب معامله گران حقیقی و حقوقی وجود داشته باشد؟ روسای بورس! شما که انواع مطالبه گری از دولت برای شفافیت و کشف قیمت کالاها در رقابت در بورس کالا را دارید چرا از خودتان شروع نمی کنید؟

چرا کارگزاران وجوهی را برای صندوق تثبیت و غیره می پردازند را نمی توانند در نحوه عملکرد آن دخالتی داشته باشند؟

چرا عملکرد صندوق تثبیت آنلاین در معرض دید عموم نیست و معاملات بلوکی آن دو طرفه انجام می شود و صندوق امکان فروختن سهام به افراد حقیقی را ندارد و معاملات حتی با صندوق ها در حراجی مثلاً تابلو دو شکل نمی گیرد؟ ده ها سوال وجود دارد که چرا سازمان شفاف نیست و اساساً چرا باید اصل جاری عدالت در بازار سهام وجود نداشته باشد و ناظران از کشف قیمت بالای دامنه، مگر در سهام بزرگ وحشت رزده شوند.

در ابتدای سال جدید باید در همه قوانین و مقررات تجدیدنظر و میزان کارمزد منصفانه تعیین شود و اگر فرمولی با اندازه دامنه نوسان برای آن قابل تعریف است، در سهام بزرگ وحشت رزده شوند.

آخر کجای این کرب خاکی شما دامنه نوسان را یک کردید در حالی که کارمزد آن ۱/۳ است و معامله گران در آن روزها از ابتدا بازنده بودند. در حال حاضر مجموع برتقوی دو صندوق تثبیت و توسعه به ۷۰۰ همت رسیده است. از طرفی کل سهام صندوق های اهرمی کمتر از ۶۰ همت است در حال حاضر!! در سال جدید سازمان بورس باید مراتبی را اتخاذ کند که انتشار برتقوی ماهانه (در سطح نماد و مطابق تمامی صندوق ها) این صندوق ها شروع شود تا اصل عدالت در بازار سهام شکل گیرد.

بخش دوم



هانیل خاوری

برخی اقدامات که در این روزها می تواند به نفع بازار سهام باشد، ابتدا در مورد کارمزد معاملات سهام و صندوق های سهامی و اهرمی و سکه و صندوق طلا و... وجود ندارد؟ از نظر هزینه کارمندان کارگزاری و... مگر کسی که سهام خرید و فروش می کند هزینه بیشتری دارد برای کارگزاری ها نسبت به کسی که مثلاً صندوق های طلا یا دیگر ابزارها را معامله می کند؟ چرا باید معامله گران سهام جور همه معامله گران را یکشند؟

۲- هزینه سیستم های آنلاین: باز چرا باید معامله گران سهام هزینه بیشتری به مدیریت فناوری و... بپردازند؟ مگر بقیه از همین سیستم معاملات آنلاین استفاده نمی کنند؟ مگر بقیه از سامانه کدال و... برای انتشار و مشاهده اطلاعات استفاده نمی کنند؟

۳- مالیات دولت: اینجا هم شاید استدلال بشود که مثلاً دولت امنیت آورده و... پس باید مالیات بدهیم. خیلی خب، کسی عالی چرا معامله گر سهام باید مالیات بدهد، اما مالیات ندارد؟ الان مثلاً سکه با صندوق طلا یا سایر صندوق ها را خرید و فروش می کند این مالیات را نمی دهد؟ چرا باید معامله گر سهام جور بقیه را یکشند در اینجا؟ در «استای توسعه ابزارهای جدید» مثلاً معامله سکه مالیات ندارد؟ الان مثلاً سکه در بورس معامله می شود، مجزه شده و قیمتش بالا رفته و سکه ای ۱۰۰ میلیون تومان نشد؟ چه اشکالی دارد مالیات معامله سهام کمتر شود و معامله گران طلا و... هم مابه التفاوت آن مالیات را بپردازند؟

۴- نظارت سازمان بورس: فرض کنیم چند نفر آدم لازم هستند که به گزارش دهی شرکت ها نظارت کنند و این هزینه برای شرکت ها قاعدتاً بیشتر است تا فلان صندوق. در راستای «توصیه به سرمایه گذاری غیر مستقیم» شما می توانید این هزینه را برای معامله صندوق ها کمتر از شرکت ها حساب کنید و منطقی هم است و مشکلی نیست. خیلی خب، چرا اینجا با مطمئن هستیم که این هزینه فعلی لازم است؟ چه بسا با هزینه کمتر، نظارت بهتری را در سطح سازمان بورس بر شرکت ها و معاملات داشته باشیم. نظارت های ابربرداشت در بازار!

نکته این است که نباید یک هزینه ای از جیب یک عده دیگر (اینجا معامله گران سهام) به نفع یک عده دیگر (یونیت هولدر و مدیران صندوق های اهرمی، صندوق طلا گوهی سکه و صندوق املاک و درآمد ثابت و همکاران و...) باشد. اولی باید کمتر بشود و بقیه هم سهمیم بشوند در